

جن از منظر ادیان ابراهیمی

سید غلام عباس موسوی مقدم / کارشناس ارشد کلام مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

Mousavi253@yahoo.com

محمد جعفری هرنیدی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

Mjafari125@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۲/۸/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۴

چکیده

در عالم آفرینش جدا از موجودات محسوس، موجودات نامحسوس نیز وجود دارند که در شرایط عادی، برای ما قابل درک حسی نیستند. یکی از آن موجودات نامحسوس جن است.

اعتقاد به وجود جن مختص اسلام نیست و در دیگر ادیان ابراهیمی نیز پذیرفته شده است و در متون مقدس آنان ریشه دارد.

اسلام جنیان را موجوداتی حقیقی، همچون انسان و فرشته می‌داند؛ اما یهودیان و مسیحیان آنها را فرشتگان متمرّد می‌شمرند.

کلیدواژه‌ها: جن، اسلام، یهود، مسیحیت.

مقدمه

اندیشه‌هایی درباره وجود نیروهای غیبی مؤثر بر جریان زندگی هست که بیشتر فرهنگ‌های کهن و حتی بشر امروزی از آن اثر پذیرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین این باورها مسئله وجود و تأثیر جن بر زندگی انسان است.

اعتقاد به وجود جن افزون بر اینکه در ادیان غیرالهی کانون توجه بوده است، در ادیان الهی و به‌ویژه ابراهیمی، بر آن تأکید شده، اثبات می‌شود؛ هرچند، در برخی موارد با هم اختلافاتی نیز دارند.

در این نوشتار برآنیم با نگاهی اجمالی و با توجه به منابع اصیل هر دین، نظر ادیان ابراهیمی را درباره جن بررسی کنیم.

مفاهیم

معنای لغوی جن

بیشتر مؤلفان لغت‌نامه‌های عربی، جن را واژه‌ای عربی، نولدکه واژه جن را عربی و معرب از اصل حبشی آن دانسته است، اما به نظر دیگر خاورشناسان، ریشه واژه جن در زبان‌های اکدی، آرامی، عبری و سریانی، به معنای پوشش و استتار، نیز وجود دارد (امیدسالار، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۴۹۰۳؛ Hastings, 1980, p. 670) مشتق از ریشه «ج ن ن» می‌دانند (برخی محققان فرهنگ عرب ریشه این واژه را از کلمه «جنا» می‌دانند نه «جن») (www.iranicaonline.org) که در اصل به معنای پوشش و استتار است (گروهی از مستشرقین، ۱۹۳۳، ج ۷، ص ۱۱۱). این معنا در بیشتر مشتقات این ریشه وجود دارد. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۲۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۹۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۲۷؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۰۸؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۱۲؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۱۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۲۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۱۱۳)؛ مثلاً، از آن‌رو به قلب «جنان» می‌گویند که در قفسه سینه پنهان است یا اینکه افکار و غم و شادی و... در قلب پنهان است (رازی، ۱۹۵۸، ج ۲، ص ۱۴۷). به سپر «جَنّه، مِجَنّ یا مَجَنّه» می‌گویند، زیرا به کارگیرنده‌اش را مخفی می‌کند (همان، ص ۱۷۲).

به باغ و مزرعه و چمن، «جَنّت و جنّات» می‌گویند؛ زیرا روی زمین را می‌پوشاند، و از آن‌رو بهشت را «جَنّة» می‌نامند که فراوانی درختانش به گونه‌ای است که برخی، برخی دیگر را می‌پوشاند (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۸۲).

به جنین چون در رحم مادر پنهان است، جنین می‌گویند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۹۷)؛ به دیوانه و مجنون «الجَنّة» می‌گویند، زیرا عقل او پوشیده است (همان؛ رازی، ۱۹۵۸، ج ۲، ص ۱۷۲) و به تعبیر راغب مثل اینکه جنون حایل و مانعی میان نفس و عقل است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۰۵).

همچنین عرب به قبر و کفن «الجَنَن» می‌گوید، زیرا میت را می‌پوشاند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۹۴).
چه زیبا شاعر (ر.ک: طبری‌آملی صغیر، ۱۴۲۷ق، ص ۱۲۱؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۶۰؛ عبدالوهاب، بی‌تا، ص ۳۲؛ ابن‌شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۱۶۰) سه معنای این کلمه را در شعر آورده است:

عَلَى حُبَّةٍ جُنَّةٍ فَسِيمُ النَّارِ وَالْجَنَّةِ
وَصَى الْمُصْطَفَى حَقًّا إِمَامُ الْإِنْسِ وَالْجِنَّةِ

حب علی بن ابی‌طالب سپر از آتش است؛ او تقسیم‌کننده جهنم و بهشت است؛ او جانشین و وصی به‌حق حضرت محمد مصطفی ﷺ است؛ او پیشوای جن و انس است.

گاه ملائکه را نیز «الجنة» می‌خوانند؛ زیرا از چشم مردم پوشیده‌اند (شبلی، ۱۹۸۳م، ص ۷۰۶).

پس با توجه به معنای لغوی این لفظ، یعنی مخفی بودن شیء از حواس، ملائکه را نیز می‌توان از زمره جنیان به‌شمار آورد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۹۷؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۶۶)، چنان‌که اعراب جاهلی ملائکه را به سبب پوشیدگی از نظر جن می‌نامیدند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۶۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۴۷۵). بنابراین، به انواع روحانی - غیر از انسان - جن گفته می‌شود؛ زیرا از حواس ما پوشیده‌اند و ملائکه و شیاطین جزو جن‌ها شمرده می‌شوند، به بیان فخررازی (دغیم، ۲۰۰۱م، ص ۲۲۷) میان جن و ملک عموم و خصوص مطلق است، یعنی همه ملائکه جن‌اند، ولی هر جنی ملک نیست (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۲۰۳).

لغویان (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۰۰؛ بروسوی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۸۸) واحد جن را «جَنِي» (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۱۲) - مانند روم و رومی - و جمع جن را «جَنَّهُ» (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۶۳) و «جنان»، دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۲۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۰۸؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۱۷)، چنانچه در قرآن می‌خوانیم:

«مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» (ناس: ۶)؛ چه آن شیطان از جنس جنیان باشد یا از نوع انسان.

«وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ» (صافات: ۱۵۸)؛ میان خدا و جنیان، نسب و خویشی قرار دادند، در صورتی‌که جنیان به‌خوبی می‌دانند [روز قیامت برای حساب و پاداش] احضار خواهند شد.

برخی اسم جمع جن را «الجان» دانسته‌اند (الازهری، ۱۳۴۷ق، ج ۱۰، ص ۴۹۶؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۲۱۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۱۱۳)، که به معنای مار سفید نیز آمده است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۱۲)؛ زیرا در قرآن همراه انس (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۲) به‌کار رفته است (ابی بکر الرازی، ۱۴۲۹ق، ص ۴۸).

«فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ» (الرحمن: ۳۹)؛ و آن روز [فرشتگان] از گناه آدمیان و جنیان نپرسند.

«لَمْ يَطْمِئِنُّوا إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ» (الرحمن: ۷۴)؛ قبل از آنان هیچ انس و جَنِي با ایشان تماس نگرفته است.

در انگلیسی جن را (djinn, jinni, jinn) (Singh, 2001, p 43) demon (التهانوی، ج ۱، ۱۹۹۶م، ص ۵۸۳) می‌نامند.

معادل واژه جن در فارسی، پری و دیو است (امیدسالار، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۷۹۲؛ مروزی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳؛ سجزی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۶۵) و در تفاسیر و ترجمه‌های کهن قرآن کریم به زبان فارسی، واژه پری را معادل جن گذاشته‌اند. (حاج سیدجوادی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۴۹-۴۵۲؛ جریر طبری، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۵۴۳، ۵۴۸، ۳۵۰؛ رازی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۵۲).

این کلمه در فارسی به‌اشتباه به‌صورت «أَجَنَّهُ» جمع بسته می‌شود، درحالی‌که «أَجَنَّهُ» جمع «جنین» است نه جن. قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ» (نجم: ۳۲)؛ و در آن موقع که به‌صورت جنین‌هایی در شکم مادرانتان بودید.

پس به‌کار بردن کلمه «اجنه» به‌جای جن‌ها یا جنیان، غلط است (امیدسالار، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۴۹۰۳؛ شبلی، ۱۹۸۳م، ص ۱۴).

جن در اسلام

جن موجودی نامرئی است که در قرآن مجید به وجودش تصریح شده است، (۲۲ بار به‌صورت جن و ۷ بار به‌صورت جان) (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۶۲؛ حریری، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵). غیر از موارد پراکنده، قرآن سوره‌ای با نام «جن» دارد و از زبان آنها حقایقی را درباره جنیان برای بشر بیان می‌کند: همچنین در آغاز سوره «الرحمن»، خداوند چگونگی خلقت جن و انسان را متفاوت می‌داند (یکی از گِل و دیگری از آتش) و پس از آن به‌صورت مکرر انسان و جن را با این لفظ خطاب می‌کند: «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَان!» پس [ای انس و جن!] کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

با توجه به آیاتی که درباره جن نازل شده است، مهم‌ترین شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی که در قرآن برای جنیان بیان می‌شود، بدین شرح است (امیدسالار، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۴۹۰۳):

۱. جن موجودی مادی و حقیقی است که از آتش سوزان زهرآگین (حجر: ۲۷) یا شعله‌های مختلف (رحمن: ۱۵) آفریده شده و خلقت آنها بر روی زمین قبل از خلقت انسان بوده است (حجر: ۲۷)؛

۲. مانند انسان، مکلف است (ذاریات: ۵۶) گروهی از آنان مؤمن صالح و مسلمان (جن: ۱۴) و گروهی کافرند (جن: ۱۱) مانند انسان‌ها می‌میرند و از بین می‌روند و گروهی جای گروه دیگر را می‌گیرند (فصلت: ۲۵)؛

۳. همچون آدمیان حشرونشر و معاد دارند (جن: ۱۵) و گناهکارانشان اهل دوزخ‌اند (سجده: ۱۳)؛

۴. آنان قدرت نفوذ در آسمان‌ها و خبرگیری و استراق سمع داشته‌اند، ولی ممنوع شدند (جن: ۹)؛

۵. جنیان ما را می‌بینند، ولی ما آنها را نمی‌بینیم (اعراف: ۲۷)؛

۶. براساس آیات قرآن جنیان از علم غیب بی‌بهره‌اند (سبأ: ۱۴).

۷. جنیان در میان سپاهیان سلیمان حضور داشتند (نمل: ۱۷) و برای او کارهای خارق‌العاده و پر مشقت انجام می‌دادند (سبأ: ۱۲-۱۳)؛

۸. در آیات ۲۹ تا ۳۲ سوره «احقاف» و چند آیه نخست سوره «جن» اشاره شده است که گروهی از جنیان نزد پیامبر اکرم ﷺ رفتند و به آیات قرآن گوش دادند. به تصریح مفسران شأن نزول سوره جن همین ماجرا بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۳۴، فخررازی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۲۸).

جن در احادیث

وجود جن از احادیث و سخنان پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ به تواتر بیان شده است و علم به وجود آنها از بدیهیات دین است. علامه مجلسی در بحار الأنوار بیش از ۱۷۰ حدیث درباره جن نقل کرده است (مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۷، ص ۵۲-۱۰۳). همچنین در اصول کافی (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۴۳) و بصائر الدرجات (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۹۶-۱۰۳) نیز روایات مختلفی ذکر شده است.

در این احادیث، اشارات گوناگونی به جن شده است که برخی آنها توضیح و تفسیر داده‌های قرآن، از جمله آفرینش جنیان از آتش و آگاهی یافتن آنها از اخبار غیبی است.

هم‌نشینی برخی جنیان با فرشتگان، تقدم آفرینش جن بر آدم، مبعوث شدن پیامبری به نام یوسف بر جنیان، که او را کشتند (ابن بابویه، بی‌تا، ص ۱۸۳)، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های جنیان (مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۷، ص ۵۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۵۸)، تناسل جنیان (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۰۸)، امکان وقوع تناسل بین آنها و آدمیان (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۶۰؛ کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۴۵) و مطالبی از این دست محتوای احادیث را تشکیل می‌دهد.

مفاد برخی روایات نیز از آن حکایت دارد که جنیان می‌توانند به صورت حیواناتی چون مار

(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۰، ص ۶۶)، سگ (مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۷، ص ۶۶) و حتی انسان، با ظاهری عجیب و غریب، در آیند.

در احادیث منقول از امامان شیعه، اهل بیت ﷺ در میان جنیان هم پیروانی دارند و هم دشمنانی (کوفی، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۵۵۲؛ مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۷، ص ۵۵)؛ جنیان با امامان ارتباط داشتند و از آنان پرسش‌های دینی می‌کردند (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۹۶) و انسان‌های مؤمن و شیعه را برادر خود می‌خواندند (مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۷، ص ۵۵). از دیدار امام علی، امام صادق و امام رضا ﷺ با جنیان گزارش‌های متعددی نقل شده است (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۲۳؛ کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۹۴؛ عبدالوهاب، بی‌تا، ص ۷۴).

به گفته امام باقر ﷺ، امام علی ﷺ در میان جنیان نماینده داشته است. در روایتی دیگر، ابن عباس پیکار امام علی ﷺ را با گروهی از جنیان یاغی و منافق گزارش کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۹، ص ۱۷۶). روایاتی نیز مبنی بر درخواست جنیان برای کمک به اباعبدالله ﷺ ذکر شده است (همان، ج ۴۴، ص ۳۳۰؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۹۴). همچنین اخبار بسیاری در منابع شیعه و سنی روایت شده است که جنیان بر شهادت امام حسین ﷺ گریستند و اشعاری نیز از قول جنیان در رثای آن حضرت نقل کرده‌اند (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۱۶۶).

جن در یهودیت

برخی دین‌پژوهان معتقدند آموزه‌هایی که درباره جن، شیطان و فرشته هست، جزو باورهای اصلی یهودیان نبوده است؛ بلکه بعدها از راه برخورد با ادیان دیگر وارد آن شده است. هنگامی که یهودیان به بابل تبعید شده بودند (اسارت بابلی)، در تماس مستقیم با دین زرتشتی قرار گرفتند و پس از پایان اسارت و در دوران استیلای ایرانیان بر یهود نیز تحولاتی در آیین یهود روی داد (انس امیرکانی، ج ۱، ۱۸۸۸، ج ۱، ص ۳۸۷). از جمله علل بروز این تحولات برخورد آیین یهود با آیین زردشتی بود که سبب ورود اعتقادات جدیدی در این آیین شد (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۳۵).

البته با توجه به اینکه در تورات و داستان فریب خوردن حضرت آدم (پیدایش ۳: ۱-۷)، به‌صراحت از شیطان نام برده شده است می‌توان نظر مزبور را مردود دانست، مگر اینکه بپذیریم تورات فعلی پس از اسارت در بابل نوشته شده است (رک: هوردن، ۱۳۶۸، ص ۳۶-۳۹، ۵۴-۵۹؛ باربور، ۱۳۶۲، ص ۱۳۰، ۱۳۱؛ یوسفیان، ۱۳۹۱، ص ۲۵۴).

به هر روی، نخستین گزارشی که در عهد عتیق درباره شیطان بیان شده، مربوط به باغ عدن است (پیدایش ۳: ۱-۷؛ حزقیال ۲۸: ۱۳). او در این باغ به شکل مار ظاهر شد و حوّا را فریب داد. گزارش دیگر مربوط به حضور او در آسمان و در پیشگاه خداوند است (ایوب ۱: ۶ و ۲: ۱)، چنانکه در کتاب مقدس به صراحت آمده است، او هم در آسمانها حضور داشت و هم به زمین می آمد (ایوب ۱: ۷).

اسم جنّ در اصل عبرانی «أوب» است که به معنای «توخالی» یا «دارای شکم تهی و فراخ» و یا «ظرف توخالی» است؛ زیرا آنها معتقد بودند که صدای جنّ از داخل شکمش خارج می شود (حیب و فارس، ۱۹۹۶م، ص ۱۵۴؛ بلاغی نجفی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۶۵).

نزدیک به همین معنا در تورات آمده است: «و چون ایشان به شما گویند که از اصحاب جنّها و جادوگرانی که جیک جیک و زم زم می کنند، سؤال کنید (اشعیا ۸: ۱۹) و به زیر افکنده شده از زمین تکلم خواهی نمود و کلام تو از میان غبار پست خواهد گردید و آواز تو از زمین، مثل آواز جنّ خواهد بود و زبان تو از میان غبار زم زم خواهد کرد (اشعیا ۲۹: ۴).

بر اساس باورهای دین یهود، جنّ می تواند انسان را تسخیر کند؛ از همین روی، پیروان آن از همراهی و هم نشینی با جنّ نهی شده اند (بلاغی نجفی، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۶۴ و ۶۵)؛ اسلام نیز پیروانش را از تعامل با جن و شیاطین جنّی نهی می کند. در سفر لاویان آمده است: «مرد یا زنی که صاحب جن یا جادوگر باشد، باید کشته شود. آنها را سنگسار کنید. خون ایشان بر خودشان است» (لاویان ۲۰: ۲۷).

و در جای دیگر آمده است: «به صاحبان جنیان توجه نکنید. به جادوگران نپردازید تا مبادا توسط آنان ناپاک شوید، خداوند و خدای شما منم» (لاویان ۱۹: ۳۱).

و همچنین تورات رابطه با جنیان را نزد یهوه مکروه و رجس می داند (تثنیه ۱۸: ۱۲؛ دوم پادشاهان ۲۳: ۲۴). البته تورات قدرت زیادی برای جن و حتی کسانی که با آن رابطه دارند، قائل است؛ چنانکه در اول سموئیل بیان است: «پس از مرگ سموئیل، شاول همه بنی اسرائیل را جمع کرد و در جلبوع اردو زد. چون شاول لشکر فلسطینیان را دید، ترسید و مضطرب شد و از یهوه سؤال کرد و یهوه او را جواب نداد [نه به وسیله خواب و نه روشی دیگر]. پس شاول به خادمان خود گفت: زنی را که با جنیان در ارتباط است، بطلبید تا نزد او رفته از او مسئلت نمایم و شاول با تغییر چهره خویش شبانگاه نزد آن زن رفت» (سموئیل ۲۸: ۳-۷).

و در ادامه (سموئیل ۲۸: ۷-۲۴) از چگونگی ارتباط زن جن گیر با سموئیل و صحبت های رد و بدل شده میان سموئیل و شاول به صورت مفصل بحث می شود (اول تواریخ ۱۰: ۱۳-۱۴).

یکی از نام های شیطان در فرهنگ دینی یهود، «عزازیل» است. این نام واژه ای عبرانی و نام دیوی شرور است که در تورات از آن یاد می شود (سفر لاویان ۱۶: ۸) و سپس وارد اسطوره های یهود می گردد. این دیوان را در اصطلاح دیوان «بز شکل» می گویند و رئیس این دیوان نیز عزازیل است. عزازیل به معنای عزیز شده، کسی است که در میان ملائکه عزیز و محترم بود. او عزت و توانایی ظاهری داشت. شیطان را از این رو عزازیل گفته اند که در میان ملائکه عزیز و با احترام بود و در عبادت خدا کوشا و پیش قدم می نمود (صالحی حاجی آبادی، ۱۳۸۲، ص ۳۴).

همچنین عزازیل، نام بزی است که کفاره گناهان را بر او می گذارند و در وادی بایر و بی آب و علف رها می کنند تا کفاره گناهان قوم را به جایی نامعلوم ببرد (ر.ک: تورات، سفر لاویان، باب ۱۶: ۸ و ۲۱ و ۲۶؛ بلاغی، ۱۳۸۶ ق، ص ۱۶۷).

یهودیان همانند برخی مسلمانان، شیطان و جن را از جنس ملائکه می دانند که خداوند آنها را به سجده امر کرد؛ ولی شیطان به سبب حسادت، استکبار و رزید (العقاد، ۱۹۶۹ م، ص ۱۰۹).

در عهد عتیق، شیطان پس از آنکه خداوند، آدم و حوّا را از خوردن میوه شجره ممنوعه نهی کرد، در هیئت مار به عنوان زیرک ترین حیوان، نزد آنان می رود و مژده می دهد که اگر از درخت نیک و بد بخورید، عارف خواهید شد (پیدایش ۳: ۱-۷).

در ادبیات یهود درباره «آخرالزمان یهودی» می توان سیر نفوذ شیطان را مشاهده کرد. این تفکر آخرالزمانی نخست به داوری درباره فرشتگان عصیانگر، پیران و روان های بلیعال و مستمه (از نام های شیطان در کتاب مقدس و در کیش یهود) و دیگر فرشتگانی می پردازد که از حق خود تخطی کرده اند، در کتاب *عروج موسی* آخرین مجازات این می شود که مبارزه ای میان خدا و شیطان باشد؛ سپس در گفتار مربوط به عالم غیبی و در کتاب *عروج اشعیا* (هاکس، ۱۳۷۷، ص ۷۰-۷۱؛ صادقی تهرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۸ و ۱۹). شیطان به صورت همآورد خدا تجلی یابد. سرانجام در دوران «عهد جدید» این باور گسترش می یابد که برپایی پادشاهی خدا هم زمان با شکست شیطان خواهد بود (کیمن، ۱۳۷۸، ص ۸۷).

جن در مسیحیت

برخی محققان مسیحی کتاب مقدس، وجود جن را منکر شده اند (بلاغی نجفی، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۱۲۵-۱۲۸)، اما با توجه به متن عهد جدید و آن گونه که از باورهای مسیحی برمی آید، مسیحیان به وجود جن معتقد بوده، شیطان و جن را موجودی حقیقی می دانند (اول قرنتیان ۶: ۳).

یکی از تفاوت‌های اساسی جن‌شناختی در اسلام با مسیحیت و یهودیت این است که آنها به وجود جنیان خوب و باایمان اعتقاد ندارند و واژه دیو برای آنها فقط به معنای «جنیان بدکردار» و تقریباً معادل لفظ شیطان در اسلام است (ر.ک: بلاغی نجفی، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۱۲۴). این موضوع ریشه در اندیشه و آموزه کتاب مقدس دارد. برای مسیحیان همه جنیان دستیاران شیطان‌اند و می‌خواهند انسان‌ها را تسخیر کنند؛ از این رو، مسیحیان، جن را «ارواح خبیث» یا «ارواح شیطانی» می‌دانند و انجیل، شیطان را «رئیس جنیان» می‌خواند (متی ۹: ۳۴).

نکته دیگری که در الهیات مسیحی باید به آن توجه کرد، اینکه انجیل شیطان را از جنس فرشته و یکی از آنها می‌داند نه اینکه موجودی هم‌عرض فرشته و انسان. مسیحیان نیز درباره اینکه شیطان، یکی از فرشتگان بوده است، هم‌نظرند (ر.ک: مک داوودان؛ ۱۳۸۳، ص ۴۸؛ هاکس، ۱۳۷۷، ص ۵۴۵)؛ قدیس آگوستین می‌گوید: شیطان، فرشته‌ای همانند دیگر فرشتگان (بلاغی نجفی، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۱۶۶) و دارای سیرت نیک بوده است (مک گراث، ۱۳۸۵، ص ۲۸۹).

مسیحیان معتقدند طبیعت شیطان روحانی و فرشته‌ای است که مثل دیگر فرشتگان از سایر ممکنات ممتاز است (افسیان ۶: ۱۲) حال اعم از اینکه آن امتیاز عقلی مثل ادراک و تمییز باشد، یا حسی مثل میل و شهوت و یا ارادی مثل اختیار (هاکس، ۱۳۷۷، ص ۵۴۷).

کتاب مقدس وجود شیطان را حقیقی و از نوع بشر مشخص‌تر و حقیقی‌تر می‌داند که بر ارواح پلید ریاست و سلطنت دارد (اول قرنیتان ۶: ۳).

او دشمن خداست پس مبعوض و از نظر لطف حضرت سبحان مطرود و آواره و با پیروان خود در عذاب است. از کتاب مقدس به دست می‌آید که او با فرشتگانش در زنجیرهای ظلمت و برای داوری محبوس‌اند (دوم پطرس ۲: ۴) و چون او از جمله مؤمنان نیست، البته در آن روز به عذاب ابدی، معذب و معاقب خواهد بود (متی، ۲۵: ۴۱).

اما باید دانست که مطرود بودن شیطان، مانع فعالیتش در این دنیا نمی‌شود؛ بلکه خداوند و رئیس این جهان و دشمن خدا و انسان است (هاکس، ۱۳۷۷، ص ۵۴۷). جهان بت‌پرستی فرآورده صنع اوست؛ اما مسیح شوکت و اقتدار او را درهم شکست و نیروی نفوذ فرمان او را تضعیف کرد، تا آنجا که مسیحیت توانست بر وی چیره شود. ابلیس مقام نخست را در میان ساحران دارد؛ زیرا پادشاه «ارواح سُفلیه» نزد مسیحیان و شعرای قرون وسطا است (حجتی، ۱۳۷۲). در بسیاری از آیات عهد عتیق و عهد جدید از جن، شیطان و ابلیس به صراحت نام‌برده شده است.

شیطان به هر شکل و وسیله‌ای درمی‌آید. حتی به هیئت فرشتگان نور تا با آن انسان را فریب دهد و از خدا بیزار کند (دوم قرنیتان ۱۱: ۱۴).

لفظ شیطان و جن برای موجودات و ارواح شرور که به فرمان خدا در انسان و حیوان داخل شده، آنها را به دیوانگی و صرع (جن‌زدگی) مبتلا ساخته‌اند نیز استعمال شده است (متی ۹: ۳۴).

انجیل بیان می‌کند حضرت مسیح ﷺ بر جنیان و شیطان‌ها تسلط داشت و آنها از دستور او پیروی می‌کردند. در *انجیل لوقا* آمده است که او جن را از بدن جن‌زدگان بیرون می‌کرد؛ (لوقا ۴: ۳۶-۳۳)؛ البته بر اساس این تصور باطل که عیسی ﷺ ابن الله است (لوقا ۴: ۴۱).

انجیل علاوه بر بیان توانایی حضرت عیسی در درمان جن‌زدگی، این قدرت را برای حواریون نیز قائل است (متی ۱۰: ۹-۱)؛

در ذیل به مواردی از رویارویی حضرت مسیح با جن‌زدگان می‌پردازیم: «و هنگامی که ایشان بیرون می‌رفتند، ناگاه دیوانه‌ای گنگ را نزد او آوردند و چون جن بیرون شد، گنگ گویا گردید و همه در تعجب شده، گفتند: در اسرائیل چنین امری هرگز دیده نشده بود. لیکن فریسیان گفتند: به واسطه رئیس جنیان، جن‌ها را بیرون می‌کند» (متی ۹: ۳۴-۳۳).

«و چون به نزد جماعت رسیدند، شخصی پیش آمد و نزد وی زانو زده، عرض کرد: ای سرور بر پسر من رحم کن؛ زیرا جن‌زده و به شدت متألم است؛ چنان‌که بارها در آتش و مکرراً در آب می‌افتد. او را نزد شاگردان تو آوردم، نتوانستند او را شفا دهند. عیسی در پاسخ گفت: ای فرقه بی‌ایمان کج رفتار، تا به کی با شما باشم و تا چند متحمل شما گردم؟ او را نزد من آورید. پس عیسی او را نهیب‌داده، جن از وی بیرون شد و در ساعت آن پسر شفا یافت» (متی ۱۷: ۱۴-۲۱).

همچنین در *انجیل* آمده است که جنیان در وجود مردی جن‌زده نفوذ کرده بودند و حضرت عیسی ﷺ آنان را از بدن آن مرد بیرون آورد و در بدن چند خوک قرار داد (متی ۸: ۲۸-۳۳).

حضرت مسیح به برخی از شاگردان خود نیز اجازه داد روح شیاطین و جن را از بدن دیوانگان خارج کنند: «و دوازده شاگرد خود را طلبیده و ایشان را بر ارواح پلید قدرت داد که آنها را بیرون کنند... و به ایشان وصیت کرده، گفت: ... بیمارانی را شفا دهید، ابرصان را طاهر سازید، مردگان را زنده و جن‌ها را بیرون کنید (متی ۱۰: ۱-۹).

در منابع مسیحی، داستان سجده نکردن شیطان، تأیید نشده است (Roth, 1996, p. 372)؛ اما چنان‌که آگوستین می‌گوید او که فرشته‌ای همانند دیگر فرشتگان بود، وسوسه شد به جای خدا بنشیند و قدرت مطلق او را غصب کند. به همین سبب او بر ضد خدا طغیان کرد (مک گراث، ۱۳۸۵، ص ۲۸۹).

البته او در این داستان، تنها نبود و فرشتگان دیگری نیز مرتکب گناه شدند و مقام و مسکن خویش را ترک گفتند (رساله یهود: ۶).

آن گونه که از کتاب مقدس برمی آید، فرشتگان شرور دارای سرنوشت یکسانی نبوده اند. برخی به جهنم افکنده و در آنجا به زنجیر کشیده شدند و تا روز داوری نهایی، نگه‌داری خواهند شد (دوم پطرس ۲: ۴)؛ برخی دیگر آزاد ماندند و به مخالفت و ستیز با فرشتگان نیک پرداختند. شیطان نیز از جمله آنان است که آزاد مانده و به اغواگری می‌پردازد (مکاشفه ۱۲: ۹-۸).

چنان‌که در کتاب مقدس به روشنی آمده است، به‌طور کلی هدف شیطان دستیابی به جایگاه خداوند است (متی ۴: ۹-۸). او و پیروانش بر آن‌اند انسان را به گناه و نافرمانی وادارند (دانیلو، ۱۳۸۳، ص ۱۱۱؛ مصاحب، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۲۲۲). در عهد جدید، شیطان و سوسه‌گر حضرت مسیح است، اما او فریب و سوسه‌های شیطان را نمی‌خورد (متی ۴: ۱-۱۱). شیطان می‌تواند به هر شکلی درآید، حتی شکل فرشتگان نور، تا از این راه انسان‌ها را فریب دهد (دوم قرنتیان ۱۱: ۱۴). او با موجه ساختن گناه و عصیان، آن را به گونه‌ای جلوه می‌دهد که نزد انسان‌ها مقبول و پسندیده افتد و از این رهگذر آنان را به دام گناه می‌اندازد (پیدایش ۳: ۷-۱) و مردم را از عمل خیر باز می‌دارد (مرقس ۴: ۱۵).

همچنین بر پایه تعالیم مسیحی، جنیان بر جسم انسان‌ها نیز قدرت دارند و به کمک دیوهای زیردست خویش، می‌توانند انسان‌ها را دچار بیماری و ناخوشی گردانند (متی ۸: ۳۲-۲۸). با وجود آنکه آنها در تصرف و اعمال قدرت بر جسم و حتی عقل انسان قادرند، اما هرگز نمی‌توانند آزادی انسان و مسئولیت او را در سیطره خود درآورند (انس امیرکانی، ۱۸۸۸م، ج ۱، ص ۳۸۸).

اما درباره سرنوشت نهایی شیطان و دیگر فرشتگان متمرد، ظاهراً پس از سقوط انسان، مرکز فرماندهی شیطان، آسمان‌ها بود (افسیان ۲: ۲)؛ اما او همراه دیگر فرشتگان شرور به زمین افکنده شد (مکاشفه ۱۲: ۹).

افتادن شیطان بر زمین، احتمالاً در دوره مصیبت عظیم آینده اتفاق خواهد افتاد (تیسن، ص ۱۴۴). پس از این و زمانی که مسیح با قدرت و جلال به زمین باز گردد تا ملکوت خود را برقرار سازد، شیطان به هاویه انداخته خواهد شد. او برای مدت هزار سال در بند خواهد بود و سپس برای مدت کوتاهی آزاد خواهد گردید.

شیطان در این مدت کوتاه می‌کوشد مردم را گمراه کند و تصمیم می‌گیرد با لشکری عظیم، اورشلیم را تسخیر کند. اما آتشی از آسمان فرو خواهد ریخت و لشکر او را از بین خواهد برد. خود او نیز به

همراه دیگر فرشتگان شرور به دریاچه‌ای از آتش افکنده خواهد شد و به عذاب ابدی گرفتار خواهد گردید (مکاشفه ۲۰: ۲-۱۰).

نتیجه‌گیری

از مطالب یادشده برمی‌آید:

۱. جنّ واژه‌ای عربی است که در اصل معنای پوشش و استتار می‌دهد و این معنا در بیشتر مشتقات این ریشه وجود دارد؛
۲. همه ادیان ابراهیمی وجود جنّ را پذیرفته‌اند و در متون مقدس آنها، درباره جنیان بحث شده است؛
۳. در اسلام علاوه بر آیات فراوانی که درباره جنّ بیان شده است، احادیث متواتر فراوانی نیز وجود دارد که علم به وجود جنیان را اثبات می‌کند؛
۴. از نظر اسلام جنیان موجوداتی نامرئی و حقیقی‌اند که از آتش سوزان زهرآگین یا شعله‌های مختلف آفریده شده‌اند و خلقت آنها بر روی زمین پیش از خلقت انسان‌ها بوده است؛
۵. براساس آیات قرآن، جنیان مانند انسان مکلف‌اند و در میان آنها مؤمن و کافر وجود دارد و مانند انسان‌ها می‌میرند و دارای حشرونشر و معادند و گناهکارانشان در دوزخ جای می‌گیرند؛
۶. دیانت یهود قدرت فراوانی برای جنّ و حتی کسانی که با جنّ رابطه دارند قائل است و اعتقاد دارد جن می‌تواند انسان را تسخیر کند؛ به همین سبب، پیروانش را از همراهی و هم‌نشینی با جن نهی می‌کند؛
۷. در عهد عتیق گزارش‌هایی درباره حضور جنیان هم در آسمان‌ها و هم در زمین بیان شده است؛
۸. مسیحیت نیز به وجود جن معتقد بوده و جن را موجودی حقیقی می‌داند که از انسان برتر و خدای زمین است؛
۹. مسیحیان همه جنیان را دستیاران شیطان می‌دانند که در پی تسخیر انسان‌ها هستند. از این‌رو، جن را «ارواح خبیث» یا «ارواح شیطانی» می‌دانند و *انجیل*، شیطان را «رئیس جنیان» می‌خواند.
۱۰. *انجیل*، شیطان را از جنس فرشته و یکی از آنها می‌داند، نه اینکه موجودی هم‌عرض فرشته و انسان. مسیحیان درباره اینکه شیطان، یکی از فرشتگان بوده است، هم‌عقیده‌اند.
۱۱. یکی از تفاوت‌های اساسی جن‌شناختی در اسلام با مسیحیت و یهودیت در این است که آنان وجود جنیان خوب و باایمان را باور ندارند و واژه دیو برای آنها فقط به معنای «جنیان بدکردار» و تقریباً معادل لفظ شیطان در اسلام است.

ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی بن ابوالکرم، ۱۳۶۷، *النهاية في غريب الحديث والاثار*، چ چهارم، قم، اسماعیلیان.

ابن بابویه، محمد بن علی، بی تا، *عیون أخبار الرضا*، ترجمه محمد تقی آقاجنقی اصفهانی، تهران اسلامیة.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ق، *مناقب آل أبي طالب*، قم، علامه.

ابن قولویه، جعفر بن محمد، ۱۳۵۶، *کامل الزیارات*، نجف اشرف، دار المرتضویة.

ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

زهری، ابی منصور محمد بن احمد، ۱۳۴۷ق، *تهذیب اللغة*، قاهره، الدار المصرية.

امیدسالار، محمود، ۱۳۸۳، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران، بنیاد دائرة المعارف الإسلامية.

انس امیرکائی، جیمز، ۱۸۸۸م، *نظام التعمیم فی علم اللاهوت القویم*، بیروت، الأمیرکان.

باربور، ایان، ۱۳۶۲، *علم و دین*، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، چ دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۳ق، *مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية.

بروسوی، اسماعیل حقی، بی تا، *تفسیر روح البیان*، بیروت، دارالفکر.

بلاغی نجفی، محمدجواد، ۱۹۸۵م، *الهدی الی دین المصطفی*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

بلاغی، سیدعبدالحجّت، ۱۳۸۶، *حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر*، قم، حکمت.

التهانوی، محمدعلی، ۱۹۹۶م، *کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.

تیسن، هنری، بی تا، *الهیات مسیحی*، ترجمه ط. میکائیلیان، تهران، حیات ابدی.

جبر، فرید و دغیم، سمیح، ۱۹۹۶م، *موسوعة مصطلحات علم المنطق عند العرب*، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.

حبیب، صموئیل و فایز فارس، ۱۹۹۶م، *دائرةالمعارف کتابیه*، قاهره، دارالتفافة.

حجتی، سیدمحمدباقر، ۱۳۷۲، «ابلیس در قرآن و حدیث»، *نور علم*، ش ۵۲ و ۵۳.

خُر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *تفصیل وسائل الشیعة*، بیروت، مؤسسه آل البيت

حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر.

دانیلو، ژان، ۱۳۸۳، *ریشه های مسیحیت در اسناد بحرالمت*، ترجمه علی مهدیزاده، قم، ادیان.

دغیم، سمیح، ۲۰۰۱م، *موسوعة مصطلحات الامام فخر الدین الرازی*، بیروت، مکتبه ناشرون.

رازی، ابی حاتم، ۱۹۵۸م، *الزینة فی الکلمات الاسلامیة العربیة*، قاهره.

رازی، محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر، ۱۴۲۹ق، *مختار الصحاح*، بیروت، دارالفکر.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴، *مفردات الفاظ قرآن*، ترجمه غلامرضا خسروی، چ دوم، تهران، مرتضوی.

زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، چ سوم، بیروت، دارالکتاب العربی.

زنجی سجزی، محمود بن عمر، ۱۳۶۴، *مهذب الاسماء فی مرتب الحروف و الاشیاء*، تهران، ترجمه محمدحسین مصطفوی.

سیده المرسی (ابن سیده)، علی بن اسماعیل، ۱۴۲۱ق، *المحکم و المحيط الاعظم*، بیروت، عبدالحمید هندای.

شبلی، بدرالدین محمد بن عبدالله، ۱۹۸۳ م، *آکام المرجان فی غرائب الاخبار و الاحکام الجان*، قاهره، المکتبه القرآن.

شوکانی، محمد بن علی، ۱۴۱۴ق، *فتح القدير*، بیروت، دارالکلم الطیب.

صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۹۰، *بشارات عهدین*، تهران، شکرانه.

صالحی حاجی آبادی، نعمت الله، ۱۳۸۲، *شیطان در کمینگاه*، تهران، دارالفکر.

صدر، احمد، ۱۳۷۵، *دائرةالمعارف تشیع*، تهران، شهید سعید محبی.

صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۶، *الأمالی*، چ ششم، تهران، کتابچی.

صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، چ دوم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.

طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، ۱۴۲۷ق، *نوادیر المعجزات فی مناقب الائمة الهداة*، قم، دلیل.

طبری، محمد بن جریر، ۱۳۶۷، *ترجمه تفسیر طبری*، تهران، حبیب یغمائی.

طریحی، فخرالدین بن، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، چ سوم، تهران، مرتضوی.

عبدالوهاب، حسین بن، بی تا، *عیون المعجزات*، قم، مکتبه الداوری.

العقاد، عباس محمود، ۱۹۶۹ م، *ابلیس*، چ دوم، بیروت، دارالکتب العربیة.

فخررازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)*، چ دوم، قاهره، المطبعة البهیة المصریة.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، چ دوم، قم، هجرت.

فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، *المصباح المنیر*، چ دوم، قم، مؤسسه دار الهجرة.

قرشی بنایی، علی اکبر، ۱۴۱۲ق، *قاموس قرآن*، چ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیة.

قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری، ۱۹۶۷م، *الجامع لاحکام القرآن و المبین لما تصدقته من السنه و آی الفرقان*

(تفسیر قرطبی)، چ سوم، قاهره، دارالکاتب العربی.

قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۹، *اصول الکافی*، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیة.

کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۹۹۰م، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، چاپ محمدکاظم محمودی.

جن از منظر ادیان ابراهیمی ♦ ۳۵

کیمن، دوشن، ۱۳۷۸، *اورمزدا و اهریمن (ماجرای دوگانه باوری در عهد باستان)*، ترجمه عباس باقری، تهران، پژوهش فرزانه روز.

گروهی از مستشرقین، ۱۹۳۳م، *دائرة المعارف الاسلامیة*، ترجمه محمد ثابت الفندی و دیگران، قاهره، بی‌نا.

مبلغی آبادانی، عبدالله، ۱۳۷۶، *تاریخ ادیان و مذاهب جهان*، قم، سینا.

متحمد مروز، محمدبن منصور، ۱۳۶۱، *الدرر فی الترجمان*، تهران، محمد سرور مولائی.

مجلسی، محمدباقر، ۱۳۵۱، *آسمان و جهان* (ترجمه کتاب السماء و العالم بحار الأنوار جلد ۵۴)، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، اسلامیة.

—، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، چ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

مصاحب، غلامحسین، ۱۳۸۳، *دائرة المعارف فارسی*، چ چهارم، تهران، امیرکبیر.

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مک داوول، جاش و استیوارت دان، ۱۳۸۳، *شناخت بدعت‌ها*، تهران، کلیسای انجیلی آشوری.

مک گراث، الستر، ۱۳۸۵، *درآمدی بر الهیات مسیحی*، ترجمه عیسی دیباج، تهران، کتاب روشن.

هاکس، جیمز، ۱۳۷۷، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، اساطیر.

هوردرن، ویلیام، ۱۳۶۸، *راهنمای الهیات پروتستان*، ترجمه طاطه‌وس میکائلیان، تهران، علمی و فرهنگی.

یوسف حریری، محمد، ۱۳۸۴، *فرهنگ اصطلاحات قرآنی*، چ دوم، قم، هجرت.

یوسفیان، حسن، ۱۳۹۱، *کلام جدید*، چ سوم، تهران، سمت.

Hastings, James, *Encyclopaedia of religion and ethics*, New York, Routledge, 1998.

http://encyclopedia.jrank.org/DEM_DIO/DEMONOLOGY_L1alwv_demon_genius_.html/ (2013/7/2)

[http://www.britannica.com/EBchecked/topic/304033/jinni/\(2013/7/2\)](http://www.britannica.com/EBchecked/topic/304033/jinni/(2013/7/2))

[http://www.iranicaonline.org/articles/genie-\(2013/7/10\)](http://www.iranicaonline.org/articles/genie-(2013/7/10))

N.K. Singh, A.R. Agwan, *Brill Encyclopaedia of the Quran*, boston, Global Vision Pub, 1987. .

Roth, Cecil, *Encyclopaedia Judaica*, Israel, Bketer publishing house jerusalehtd, 1996.

Yarshater, Ehsan, *Encyclopaedia Iranica*, New York, Encyclopaedia Iranica Foundation, 1985.